

## عنوان مقاله:

خصوصیات اگزیتانسیالیسم داز این در مقدمات طلای معلقات سبع

## محل انتشار:

فصلنامه هنر زبان، دوره 3، شماره 3 (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 16

## نویسندگان:

سیدفضل الله میرقادی - استاد بخش زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

حانیه ظفرآبادی - دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

## خلاصه مقاله:

یکی از مکاتب فکری که در تاریخ فلسفه ظهور یافته و به بحث در مورد وجود انسان و اهمیت آن در مقابل وجود اشیا در طبیعت می پردازد، مکتب اگزیتانسیالیسم است. از پیشگامان این مکتب، مارتین هایدگر است که بحث درباره ی وجود را در خلال بررسی احوال انسان یا داز این، به عنوان تنها موجودی که از وجود سوال می کند، آغاز نموده است. هایدگر معتقد است آنچه انسان را در درک بهتر احوال دازاین یاری می کند این است که حالاتش بر پایه ی شکلی از هستی که همان در جهان بودن است، قرار گیرد. برای رسیدن به این هستی محض هایدگر به وجود انسان (دازاین) یا همان وجود در جهانی او رجوع می کند و سه ویژگی هستی خاص انسان را که شامل حالت انفعالی یا امکان، سقوط و در جهان انداختگی یا مجعولیت است، بیان می کند که وسیله ی ارتباط انسان با وجود است و به همین دلیل این ویژگی ها را خصوصیات اگزیتانسیالیسم می نامد. اگزیتانسیالیسم از دیرباز پیوند عمیقی با ادبیات عربی داشته و مقدمات طلایی به عنوان یکی از ریشه دارترین مباحث ادبیات عربی مرتبط با این مکتب در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است و پژوهشگر سعی دارد با روش موضوعی، خصوصیات اگزیتانسیالیسم را در مقدمات طلای معلقات سبع جاهلی مشخص کند. در نهایت این پژوهش، خواننده در می یابد که این سه ویژگی بر مقدمات طلایی معلقات قابل تطبیق است

## کلمات کلیدی:

اگزیتانسیالیسم، مقدمات طلایی، هایدگر، امکان، مجعولیت، سقوط

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/796465>

